

برنامه‌ریزی برای کنترل ریزگردها

سازمان منابع طبیعی کشور با همکاری قرارگاه جهادی وزارت کشور نسبت به تدوین برنامه جهادی احیای ۳ میلیون هکتار از اراضی بیابانی اقدام کرده است. رویکرد این طرح حفاظت از اراضی کشاورزی، مناطق مسکونی و حفظ زنجیره تولید و جلوگیری از مهاجرت روستاییان در مناطق محروم است



در گفت‌وگوی «ایران اقتصادی» با مدیرکل دفتر امور بیابان سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور مطرح شد

تدوین برنامه احیای ۳ میلیون هکتار اراضی بیابانی در ۱۱ استان کشور

گفت‌وگو

هماهمت‌خواه

روزنامه نگار

هستیم.

طبق آمارها، ایران رتبه اول یا دوم فرسایش خاک در جهان را داراست، به طوری که این رقم به ۱۶.۷ دهم تن در هر هکتار رسیده است که باید به طور جدی برای آن چاره‌ای اندیشیده شود زیرا بیش از ۸ هزار و ۲۰۰ گونه گیاهی در کشور داریم که بیش از ۲ هزار گونه آن دارویی است و باید برای حفظ این عرصه‌ها تلاش کرد.

همچنین برای دستیابی به امنیت غذایی پایدار باید به مفهوم واقعی از منابع طبیعی، جنگل‌ها و مراتع که پشتوانه این مهم است حفاظت شود. بیابان به منطقه خشک و کم‌باران اطلاق می‌شود که به دلیل بارندگی سالانه کم، دارای پوشش گیاهی کمی است و از مهم‌ترین مشخصات مناطق بیابانی، بارش کم، تبخیر بالا، رطوبت کم هوا، کم بودن پوشش گیاهی و جانوری و اختلاف شدید دمای شب و روز است. بیابان‌ها حدود یک‌سوم مساحت سطح زمین را پوشانده‌اند و بارندگی سالانه آن کمتر از ۵۰ میلی‌متر است و احتمال دارد چند سال در آن باران نیارد و با کم‌آبی و تبخیر شدید روبه‌رو باشد و پوشش گیاهی آن بسیار ضعیف است.

رشد تعداد و شدت طوفان‌های ماسه‌ای و گرد و خاک، فرونشست زمین، کاهش حاصلخیزی و توان تولید خاک و اختلال در فرایند بازسازی و بازتولید طبیعی پوشش گیاهی، از جمله اثرات و پیامدهای بیابان‌زایی است. این اثرات، پیامدهای جدی اقتصادی و اجتماعی نیز به همراه دارد. بیابان‌زایی از طریق محدود کردن منابع بالقوه طبیعی، موجب کاهش تولیدات کشاورزی شده و این فعالیت را به طور فزاینده‌ای متزلزل و پرمخاطره می‌کند و کاهش تولیدات کشاورزی، فقر و مهاجرت جمعیت روستایی به مناطق شهری را به همراه خواهد داشت؛ در حالی که احیای سرزمین، ظرفیت‌های قابل توجهی در راستای تولید و بازسازی اقتصادی به همراه داشته و برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در این بخش، شرایط بازایی اقتصادی کشورها را تسهیل خواهد کرد. برای بررسی بیشتر موضوع، خبرنگار «ایران اقتصادی» به سراغ وحید جعفریان، مدیرکل دفتر امور بیابان سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور رفته است تا درباره آخرین تصمیم‌گیری‌های قرارگاه جهادی جویا شود.

درباره وضعیت تغییرات

عرصه‌های بیابانی و سرعت سطح بیابان‌ها توضیحاتی بفرمایید؟
ایران کشوری خشک و نیمه‌خشک است که در کمربند نواحی بیابانی واقع شده است. این نواحی در نیمکره شمالی از شمال غربی آفریقا تا شمال شرق چین امتداد یافته است و تحت‌تأثیر پیامدهای ناشی از تغییر اقلیم همچون خشکسالی و وقوع رخداد‌های حدی اقلیمی نظیر گرمای شدید و افزایش شدت و فراوانی تندبادها و فرسایش بادی قرار دارد. خشکی محیط در عرصه‌های منابع طبیعی، تخریب منابع آب، خاک و پوشش گیاهی را در پی داشته که پیامد این امر ایجاد و گسترش بیابان‌زایی و کانون‌های بحرانی طوفان‌های ماسه و گرد و غبار است که اکنون برخی از استان‌های جنوبی کشور با آن درگیر هستند.

طی سال‌های اخیر اقدامات آبخیزداری برای کنترل سرعت بیابانی شدن چه روندی را طی کرده است؟

بر اساس مطالعات سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری در سال ۱۳۹۸، قریب به ۳۰ میلیون هکتار از عرصه‌های بیابانی کشور تحت‌تأثیر فرسایش بادی قرار داشته که از این میزان ۱۴ میلیون هکتار به لحاظ خسارت به منابع زیست‌انسانی به‌عنوان کانون بحرانی فرسایش بادی شناخته می‌شوند. بررسی روند مناطق تحت‌تأثیر فرسایش بادی نشانگر این امر است که سالانه حداقل یک میلیون هکتار به وسعت مناطق تحت‌تأثیر فرسایش بادی و تخریب سرزمینی ناشی از آن اضافه شده است. علاوه بر عوامل ناشی از تغییرات اقلیمی، عوامل انسانی در تخریب سرزمین و بیابان‌زایی نقش دارند.

در واقع عوامل انسانی همچون بهره‌برداری‌های بیش از ظرفیت زیست‌بوم‌های طبیعی، تخریب جنگل‌ها و مراتع، تغییرات کاربری و آلوده‌سازی محیط زیست نقش محوری در تخریب سرزمین و بیابان‌زایی در سرتاسر جهان داشته‌اند.

بحران آبی کشور در روند بیابانی شدن چه تأثیری دارد؟
رویکرد مدیریت پایدار سرزمین بر توجه ویژه به کمبود و بحران آب به‌عنوان ریشه و علت اصلی ایجاد و گسترش کانون‌های بحرانی فرسایش بادی تأکید دارد. واقعیت این است که بحران آب به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی فراروی مدیریت پایدار سرزمین در مناطق خشک و فراخشک مطرح شده است. براساس گزارش سالانه مجمع جهانی اقتصاد، طی ۱۰ سال گذشته بحران آب

همواره بیشترین ریسک را پیش‌روی اقتصاد و توسعه کشورهای واقع در کمربند بیابانی جهان قرار داده است. طبق این رویکرد، استقرار حکمرانی مطلوب آب، ارتقای بهره‌وری آب، ایجاد توازن در عرضه و تقاضای آب، تأمین قفایه دشت‌های سیلابی و تالاب‌ها، کنترل و تعادل‌بخشی آب‌های زیرزمینی و مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز و دیپلماسی فعال مدیریت آب‌های مرزی، از مواردی هستند که باید در صدر اولویت‌های سیاستگذاری مقابله با طوفان‌های ماسه و گرد و غبار مورد پیگیری قرار گیرند.

اقدامات به‌عنوان زیربنای مدیریت پایدار سرزمین در مناطق بحرانی طوفان‌های ماسه و گرد و غبار ضروری بوده و بدون توجه به این زیرساخت‌های بنیادین، دستیابی به امنیت آبی، غذایی و زیستی و اثربخشی اقدامات اجرایی با مخاطرات

جدی همراه خواهد بود. تبیین دقیق ملاحظات زیست‌محیطی در برنامه‌های آمایش سرزمین مبتنی بر ارتقای تاب‌آوری، سازگاری و نیز کاهش آسیب‌پذیری جوامع تحت‌تأثیر، از موارد کلیدی در تبیین سیاست‌های مدیریت طوفان‌های ماسه و گرد و غبار به شمار می‌رود. براین اساس الگوهای توسعه صنعتی، کشاورزی و سایر منابع زیست‌انسانی باید متأثر از این ملاحظات باشد.

برای جلوگیری از طوفان‌های ماسه و گرد و غبار چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟ مدیریت تغییرات کاربری اراضی، اعمال شیوه‌های کشاورزی پایدار و الگوهای توسعه صنایع و معادن و بهره‌برداری پایدار از ظرفیت جنگل‌ها، مراتع و مناطق بیابانی و تبیین قوانین، سیاست‌ها و منابع مورد نیاز، از جمله رویکردهای مورد تأکید در مدیریت سرزمین بویژه در مناطق بحرانی و آسیب‌پذیر به شمار می‌رود.

طوفان‌های ماسه و گرد و غبار یک پیامد از تخریب سرزمین است. نگرش انتزاعی و جدا کردن گرد و غبار از مقوله تخریب سرزمین به مثابه غفلت از علت‌های اصلی و پرداختن به معلول‌هاست. رویکرد مدیریت پایدار سرزمین، محدوده مقابله با طوفان‌های ماسه و گرد و غبار را بسیار فراتر از مناطق غبارخیز دانسته و تمام عوامل انسانی-اکولوژیک را برای پیشگیری، مقابله، سازگاری و ارتقای تاب‌آوری مورد توجه قرار می‌دهد.

سابقه فعالیت سازمان منابع طبیعی در حوزه مبارزه با بیابان‌زایی به چه سال‌هایی برمی‌گردد؟

سابقه فعالیت‌های مقابله با بیابان‌زایی توسط سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری بیش از ۶ دهه قدمت دارد. این اقدامات پس از انقلاب و در قالب

برنامه‌های جهاد سازندگی متحول شده و در سطوح وسیعی از مناطق بیابانی و تحت‌تأثیر فرسایش بادی اجرا شده است.

احیای بیش از ۸.۷ دهم میلیون هکتار از عرصه‌های بیابانی، حاصل زحمات جهادگران این عرصه طی سنوات قبل بوده است. نکته قابل تأمل در اجرای پروژه‌های مقابله با بیابان‌زایی این است که این پروژه‌ها نظیر نهال‌کاری، مرطوب‌سازی و مدیریت روان‌آب، مدیریت چرای دام و احداث بادشکن‌ها زمانی اثربخش خواهند بود که در سطوح وسیع اجرا شوند.

سطح اجرای عملیات در این پروژه‌ها نقش کلیدی در ارتقای اثربخشی و کنترل خسارت‌های فرسایش بادی دارد. در شرایط فعلی با توجه به مباحث تغییر اقلیم و خشکی محیط و غلبه فرسایش بادی، ضرورت گسترش فعالیت‌های مقابله با بیابان‌زایی بیش از پیش احساس شده و جبران عقب‌ماندگی‌ها نیازمند اقدامات گسترده، فراگیر و جامع‌نگراست.

اقدامات قرارگاه جهادی در

زمینه کنترل گرد و غبار چیست؟

سازمان منابع طبیعی کشور با همکاری قرارگاه جهادی وزارت کشور نسبت به تدوین برنامه جهادی احیای ۳ میلیون هکتار از اراضی بیابانی اقدام کرده است. رویکرد این طرح حفاظت از اراضی کشاورزی، مناطق مسکونی و حفظ زنجیره تولید و جلوگیری از مهاجرت روستاییان در مناطق محروم می‌باشد.

این طرح در ۱۱ استان بیابانی و یک هزار و ۶۴۵ سکونتگاه روستایی تهیه شده و مقرر است فعالیت‌های اجرایی با همکاری شورای روستا، دهیاران، بخشداران و فرمانداران تهیه شود و در کارگروه ملی مدیریت جامع حوزه آبخیز و شورای برنامه‌ریزی و هماهنگی استان به تصویب برسد. پیشنهاد می‌شود این ظرفیت در تدوین برنامه‌های اضطراری و اجرایی دشت سیستان مورد توجه قرار گیرد و بدین ترتیب زمینه مشارکت فراگیر جوامع تحت‌تأثیر و هماهنگی‌های بین‌بخشی در سطح استان فراهم شود.



با توجه به اینکه معضل ماسه‌های روان و گرد و غبار دارای ماهیت بین‌بخشی و فرامرزی

است، در این خصوص ظرفیت‌هایی ایجاد شده است که از آن جمله

می‌توان به کارگروه ملی مقابله با بیابان‌زایی اشاره کرد. همچنین اقداماتی

برای هماهنگی و اقدام مشترک با کشورهای

همسایه بویژه عراق انجام شده است و زمینه همکاری

با افغانستان برای تعدیل چالش فرسایش بادی در

سیستان نیز وجود دارد

در بحث کنترل گرد و غبار در کنار اقدامات سازمان منابع طبیعی، چه کشورهایی باید فعالیت داشته باشند؟

با توجه به اینکه معضل ماسه‌های روان و گرد و غبار دارای ماهیت بین‌بخشی و فرامرزی است، در این خصوص ظرفیت‌هایی ایجاد شده است که از آن جمله می‌توان به کارگروه ملی مقابله با بیابان‌زایی اشاره کرد. همچنین اقداماتی برای هماهنگی و اقدام مشترک با کشورهای همسایه بویژه عراق انجام شده است و زمینه همکاری با افغانستان برای تعدیل چالش فرسایش بادی در سیستان نیز وجود دارد. کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی نیز چهارچوب مناسبی برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای ایجاد کرده است. نظربه اهمیت کنترل طوفان‌های ماسه و گرد و غبار، اخیراً مجمع عمومی ملل متحد طی قطعنامه A/RES/۷۷/۲۹۴، روز ۱۲ جولای هر سال (۲۱ تیرماه) را به‌عنوان روز جهانی مقابله با طوفان‌های ماسه و گرد و غبار نامگذاری کرد.

در این قطعنامه، مجمع عمومی از همه کشورهای عضو دعوت کرده این روز جهانی را به صورت مناسب و مطابق با اولویت‌های ملی گرامی داشته و آموزش‌ها و فعالیت‌های لازم را برای آگاهی‌بخشی با هدف بهبود سلامت و رفاه جوامع انسانی ارائه کنند.

برخی از مهم‌ترین عوامل تشدید فرسایش بادی و گرد و غبار شامل بیابان‌زایی، تخریب سرزمین، خشکسالی و عوامل انسانی است که این پدیده‌ها و مدیریت علل و عوامل بیابان‌زایی، در قالب کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی پیگیری می‌شوند.

